

## پیش دبستانی و دبستان روزبه

دیدار از پیش دبستانی دبستان غیرانتفاعی روزبه<sup>۱</sup> چهارشنبه ۱۳۷۷/۵/۲۱ (۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۱۹) که حدود ۴ ساعت به طول انجامید.

۱- مؤسسه‌ی روزبه، نامی با یادِ معلمی ویژه و ستودنی نزد شاگردانش که افراد مقید و متدین او را به تلاش برای بندگی خدا و وظیفه محوری می‌ستایند و آن‌ها که دستی در تعلیم دارند گزاره‌هایی از مهارت‌های تدریس و توان علمی‌اش عرضه می‌کنند. او در اردیبهشت ۱۳۰۰ در خانواده‌ای مذهبی در شهر زنجان به دنیا آمد. پدرش کربلایی محمود خیاط، فرزند حجت‌الاسلام شیخ جواد زنجانی، از شاگردان آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی بود و مادرش سیده ربابه دخت حاج سیدتقی، از سادات مشهور زنجان شمرده می‌شد. روزبه در کنار تعلیمات ابتدایی و آموزش متوسطه، علوم حوزوی را تا سطوح عالی نزد پدر و عمویش و استادان مشهور در زنجان خواند. او نزد آیت‌الله سید محمود امام جمعه دروس منطق حکمت الاشراق، معیار العلم غزالی، مبدأ و معاد صدرالمتهلین را تحصیل کرد و دروس تفسیر، فقه، فلسفه و درس خارج را در نزد آیت‌الله حسین دین محمدی زنجانی آموخت، و در نزد سایر استادان چون، حاج آقا سیدمحمد امام جمعه، و ابراهیم مولوی زنجانی نیز تحصیل کرد و طلبه‌ای ممتاز شناخته شد. با اتمام دوره متوسطه، او چند سالی در دبستان توفیق زنجان به تدریس پرداخت و سپس به تهران مهاجرت کرد. در سال تحصیلی ۱۳۳۱-۱۳۳۰، وارد دانشکده‌ی علوم شد و با انتخاب رشته‌ی فیزیک، تحصیلات عالی خود را آغاز کرد و این دوره را با نگارش «مطالعه در آثار میدان الکترونیک و رادیاسیون و گاز ازت روی موجودات زنده» به پایان برد و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن در پزشکی ارائه داد. او از دانشجویان ممتاز و برجسته شمرده شد و به عنوان محقق فیزیک و استاد رشته‌ی فیزیک شناخته شد. روزبه در معارف اسلامی، فقه و اصول، فلسفه و کلام، ادبیات عرب و تفسیر قرآن مطالعات وسیعی داشت و رسایل و مکاسب را خوب می‌دانست. او زبانهای عربی و فرانسه را نیز به نیکویی می‌دانست. استاد رضا روزبه در چهل سالگی با خانواده‌ای روحانی ازدواج کرد و ثمره این پیوند دو پسر به نامهای محمود و حسین و یک دختر به نام زهرا است که به معلمی اشتغال دارند و راه پدر را ادامه می‌دهند. استاد روزبه در سال ۱۳۴۷، به سبب تماس با تشعشعات رادیواکتیو در آزمایشگاه، به بیماری سرطان مبتلا شد. در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ حالش رو به وخامت گذاشت و ساعت ۷ صبح روز ۲۱ آبان سال ۱۳۵۲ درگذشت و در قم در قبرستان حاج شیخ (نو) دفن گردید.

یکی از ابعاد زندگی مرحوم روزبه مدرسه علوی است. با وجود پیشنهادهای مکرر دکتر هوشیار به ایشان و تلاش‌های پروفیسور محمود حسابی برای احراز کرسی دانشگاه برای تدریس و اعزام به خارج از کشور برای تحصیل در دوره دکتری که روزبه نیز به آن خیلی علاقه‌مند بود او پایه‌گذاری مدرسه علوی و تدریس در آن را ترجیح داد. این واحد آموزش متوسطه در سال ۱۳۳۵ توسط حاج علی‌اصغر کرباسچیان و حاج مقدس تهرانی و حاج آقای شالچیان و به مدیریت استاد روزبه شروع به فعالیت کرد. دبیرستان علوی و شعب آن از نظر پذیرش محصل، انتخاب استاد و برنامه‌های آموزشی ویژه بودند و روحانیانی مثل، استاد مرتضی مطهری و استاد محمدتقی جعفری و دیگرانی با هیئت مدیره و روزبه همکاری نزدیک داشتند. جمعی از شاگردان روزبه، مجتمعی آموزشی در سال ۱۳۶۸ به مناسبت بزرگداشت وی موسسه‌ای غیرانتفاعی به نام روزبه با هدف ایجاد محیطی آموزشی برای تربیت و تعلیم دانش‌آموزان تأسیس نمودند. از آثار و تالیفات مرحوم استاد روزبه می‌توان به این کتابها اشاره نمود: اثبات جهان ماوراء اثبات وجود خدا، عصمت پیامبران، ولایت، فقه، عربی آسان، روش آسان در تعلیم قرآن، خدشناسی.

دیدار از مدرسه با هماهنگی با آقای اکبرزاده مدیر دبستان که سابقه‌ی معلمی چند ساله‌ی در دوم دبستان مدرسه‌ی توحید را داشته‌اند، میسر شد.

ابتدا از اواخر دو کلاس پیش دبستانی با مربی‌گری آقایان کی‌قبادی و فتحی و دو همکارشان و با حضور بچه‌ها بازدید شد و بعد جلسه‌ای با حضور آقای قاسمی که هماهنگی و اداره‌ی دوکلاس را برعهده دارند و خود آقای اکبرزاده و دو کمک مربیان برگزار شد. سپس نهار، نماز و بعد بازدید از ساختمان و وضع فیزیکی مدرسه. دو مربی مذکور خودشان مربی کلاس اولند و جمعی را که ما از آنها بازدید کردیم پذیرفته‌شدگان اول هستند که در یک دوره‌ی کوتاه با معلمان سال بعد خود کارهایی را انجام دهند.

نکات زیادی را می‌توان در مورد روزبه آن روز و آن سال که بنده دیدم می‌توان متذکر شد که به جهت اختصار بعضی را به طور کلی مطرح می‌نمایم:

۱. ظاهراً در مدرسه یک سیستم نسبتاً خشک اداری حاکم است که هر کس می‌بایست مسئولش را به نحو مطیعانه‌ای حرف شنوی داشته باشد! این را در توضیحات و حتی تعاملات افراد می‌شد مشاهده کرد.<sup>۲</sup>
۲. توجه مجموعه و در واقع به قول معلمان «سیاست گذاران مدرسه» به بعضی مسائل کلی، آنها را از توجه و بذل دقت به بعضی مسائل جزئی بازداشته و بالعکس توجه بعضی از کادر مدرسه به بعضی مسائل خیلی پیش پا افتاده (در مقایسه با مسائل کلی) آنها را از توجه به بعضی مسائل پر اهمیت و کلی غافل کرده است! ... که بر سر این موضوع دیدگاه‌های مختلفی داشتند!
۳. کارهای مربیان به طور بسیار دقیقی (در دوره‌ای که با بچه‌های کلاس اولی سال آینده داشتند) مکتوب بود. به طوری که از فلان دقیقه تا فلان دقیقه در مورد فلان مطلب باید صحبت نمایند.

---

<sup>۲</sup>- اکنون مجال سخن از نیکویی و مزایای این قالب یا غیر آن نیست ولی به هر حال این سخن بیشتر نوعی گزارش از آن چیزی است که مشاهده کردم. (سیدمحمد خردمند)

۴. به نظرم طرز صحبت‌هایشان در نشست مشترک به شکلی بود که گویا می‌خواهند از خود دفاع کنند، نه آن که واقعاً در جلسه راحت باشند برای تبادل نظرات!

۵. مدرسه از جهت امکانات هیچ کمی و کاستی‌ای ندارد، مخصوصاً از جهت فضای کار؛ اما محیط خالی از رنگ است و گاهی به مُردگی می‌نمایند؛ خلاصه شادابی مورد انتظار از یک پیش دبستانی یا دبستان، حس نمی‌شد!

۶. کتابخانه و آزمایشگاه بسیار خوب و آماده برای بهره‌برداری‌ای داشتند.

۷. با توضیحاتشان احساس می‌شود در ارتباطات میان خانواده‌ها و مربیان حالت بسیار رسمی، خشک و غیر قابل انعطافی وجود دارد!

۸. در کارهای پیش دبستانی بعضی طرح‌های نو به چشم می‌خورد اما نه به شکل ویژه!